

* نام کتاب: مبانی جامعه‌شناسی
* مؤلف / مترجم: مجید مساواتی آذر
* ناشر: احرار
* نوبت و محل چاپ: اول، تبریز
* سال نشر: ۱۳۷۲

۳- مبانی جامعه‌شناسی

در برخی دانشکده‌ها این اثر در دروس مبانی جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از جمله کتب مشابه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- درآمدی به جامعه‌شناسی / بروس کوئن / ترجمه محسن ثلاثی
- مقدمات جامعه‌شناسی / منوچهر محسنی
- مبانی جامعه‌شناسی / منصور وثوقی و علی اکبر نیک خلق
- مبانی جامعه‌شناسی / سیف ا... سیف الهی

الف) بررسی شکلی

مطلب شایان توجه درخصوص کتاب، ابهام‌های متن آن است که در موارد زیادی مانع درک مطلب می‌شود. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- وجود عناوین و تیرهای طولانی (بعضاً ۱/۵ سطر)؛

- کاربرد مفاهیم غیرمتعارف، ضعف ویرایشی و ضعف ارتباط محتوایی مطالب با هم؛
 - عبارت‌ها و جمله‌های نامفهوم؛ برای نمونه، «تا موقعی که اقشار مردم سهمی در منافع عینی در یک نظام اجتماعی قشربندی شده دارند، نابرابری نیز موجود خواهد بود.» (ص ۱۴۰) و یا «اموال، پایگاه، افتخار را تضمین نمی‌نماید. اگر چه در مدت طولانی گرایش به صلاحیت هم پایگاه شدن را دارد.» (ص ۱۳۸) و یا «ارگانیسم انسانی هرچه باشد در دست توانای جامعه می‌گردد.» (ص ۱۷۴)
 و نمونه‌های دیگری که به ذکر موارد بالا اکتفا می‌شود.

- طرح برخی مباحث فلسفی ناهمگون با کتب مبانی، همانند بحث اصالت «فرد یا جمع»، و بالاخره خلط مباحث مکرر و نتیجه‌گیری‌های نامتعارف.
 در کتاب حاضر در به‌کارگیری اصطلاحات و واژه‌های تخصصی نیز تشتت دیده می‌شود. برای مثال، ابهام برخی مفاهیم به‌کار گرفته شده از جمله این موارد است: کمونیسم خاوری - دموکراسی باختری (ص ۱۲۲) دستور اجتماعی (ص ۲۹۲)، فرهنگ انطباقی (صص ۲۹۶-۲۹۸)، جبرکور و جبر علمی (ص ۲۵۷)، خانواده توخالی (ص ۱۹۳)، بردگی فطری انسان (ص ۱۵۶) و ... کاربرد مفاهیم به زبان اصلی به رغم داشتن معادل مناسب در فارسی از جمله موارد دیگر است: اتوریته (ص ۱۲۲)، کولکتیویسم (ص ۱۲۲) ترمینولوژی (ص ۱۲۲)، اندیوآلیسم (ص ۱۲۵) و ... مؤلف Moral را با Mores هم زیسته دانسته است. عدم توضیح مفاهیم مبهم نیز از جمله مشکلات دیگر اثر است؛ مانند: دوکا و لردها (ص ۱۴۴)، تکامل جامعه و تاریخ، تکامل ایدئولوژیک (ص ۲۹۱) و ساختمان خوی جدید، خوی تغییر یافته (ص ۲۷۶).

مؤلف به طور مکرر، فرضیه، تئوری، عقیده و مکتب را به جای هم به کار می‌برد. (صص ۱۷۴-۱۷۹، ۱۲۲).

ب) بررسی محتوایی

در خصوص بررسی علمی متن باید به نکته‌های زیر توجه نمود:

اگر چه مؤلف موضوعات متعددی از مباحث مربوط به درس مبانی را مطرح ساخته است، اما هیچ‌یک با ترتیب و چینش منطقی درست و به زبان متناسب با فهم دانشجو نگارش نیافته است. برخی مباحث به شیوه‌ای نظری و استدلالی آن‌هم به صورتی درهم نگارش یافته‌اند (همانند: بحث فرد و جامعه، طبقه اجتماعی، انحرافات اجتماعی، تغییرات اجتماعی). روشن است که این شیوه برای مبتدیان غیرقابل استفاده و، البته، نحوه ورود و خروج مؤلف و نحوه پردازش وی به گونه‌ای است که برای محققان نیز به نظر قابل استفاده نمی‌رسد. برخی مباحث هم چون: بحث هنجارها، ارزش‌ها، فرهنگ، نهادها، جامعه‌پذیری، عوامل جامعه‌پذیری، با شرح و بسط مورد انتظار، در یک کتاب مبانی مطرح نشده‌اند. مؤلف به جای پرداختن به مباحث توصیفی که متناسب با این نوع کتب است به طرح نظریه‌ها و آراء متنوع و متشتت اندیشمندان می‌پردازد و ساختار بحث در اکثر موارد، به گونه‌ای است که از ابتدا تا انتها نتیجه مشخصی عاید خواننده نمی‌شود. ایراد دیگر کتاب، عدم دآوری مشخص میان نقل قول‌های مختلف است که بعضاً با متن ناهمگون به نظر می‌رسند. چنین القاء می‌شود که گویا این دیدگاه‌ها در موضع تأیید دیدگاه‌های مؤلف جای دارند. در مواردی نیز مؤلف با بهره‌گیری از منابع واسط، نقل قول‌های آمیخته شده با کلام واسطه را، که به نظریه پرداز مربوط نیست، می‌دهد.

برای مثال، دکتر ادیبی در کتاب *نظریه‌ها*، خود به نظریه دارندرف استناد جسته و عبارت‌های او را با متن کتاب خود به هم آمیخته است، اما مؤلف این کتاب،

همین عبارتهای مخلوط را به نام نظریه پرداز مورد نظر (دارندورف) نقل و مستند کلام خود می‌سازد. نکته دیگر، وقوع مواردی از نقل قول‌های طولانی (بعضاً ۲ صفحه‌ای) در متن است. که از نظر فنی چنین شیوه‌ای قابل قبول به نظر نمی‌رسد.

مؤلف در چند موضع از کتاب، از کشوری به نام «اتحاد جماهیر شوروی» یاد می‌کند، که به ظاهر سال‌ها از جغرافیای سیاسی جهان محو شده است، این خطا با توجه به تأخر تألیف کتاب از تاریخ فروپاشی شوروی، توجیهی جز بی‌توجهی مؤلف به یادداشت‌های پیشین کتاب ندارد. (ر.ک: ۱۲۳-۱۲۲-۱۴۶)

موارد فوق و موارد دیگری که به دلیل رعایت اختصار کلام از ذکرشان خودداری می‌نمائیم، سبب شده است تا متن حاضر، سزاوار یک متن آموزشی نباشد.

